

هر گردی گردو نیست!

تفاوت رویکرد تیم مذاکره کننده فعلی ایران با تیم پیشین به نکات زیر به شکل اساسی توجه شود:

۱- مقاومت فعال به جای صبر استراتژیک

انجام اقدامات متقابل در مقابل نقض عهد دشمن همواره مورد تأکید حامیان منافع ملی بوده است. این راهبرد یک اقدام عقلانی به مثابه اقدام متقابل ایران در مقابل بدعهدی دشمن به حساب می‌آید اما دولت قبل بر مبنای سیاستی که آن را صبر استراتژیک معرفی کرده بود از پاسخ متقابل به بدعهدی طرف مقابل طفره می‌رفت و این گونه آمریکا و سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان را در بی توجهی به تعهداتشان و نقض بیشتر مفاد برجام تهییج می‌کرد تا جایی که از اردیبهشت ۹۷ و خروج آمریکا از برجام تا زمان تصویب قانون، اقدام راهبردی برای رفع تحریم‌ها در سال ۹۹، دولت روحانی هیچ اقدام متقابلی را در دستور کار قرار نداد. به بیان دیگر باوجود خروج آمریکا از برجام، دولت قبل همچنان بر انجام محدودیت‌های برجامی اصرار می‌ورزید.

به همین دلیل رهبرانقلاب بعداً با انتقاد از این رویه دولت فرمودند: «وقتی آمریکا از برجام خارج شد و دیگران هم با او همراهی کردند، دستور قرآن این است که «فَأَبْذِلْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ» تو هم تعهد را رها کن که با این حال باز هم دولت محترم ما تعهدات را رها نکرد و بتدریج بخشی از آنها را کاهش داد که البته این موارد نیز در صورت عمل کردن آنها به وظایفشان قابل برگشت است.»

مذاکرات ایران و ۴+۱ در وین برای متعهد کردن ایالات متحده به تعهدات سال ۲۰۱۵ در اواخر دولت قبل شروع شد. آغاز این مذاکرات در حالی بود که مقامات دولت سابق ادعا می‌کردند به واسطه شناخت آنها از مقامات دولت جدید آمریکا (دولت جو بایدن) و همچنین تفاوت ماهیت دموکرات‌ها و جمهوری خواهان، آمریکا احتمالاً بزودی و با چند «خط خط کردن» راه گذشته خود را جبران می‌کند. اما این برآورد اشتباه از سیاستگذاری در کاخ سفید به زودی خود را نشان داد و مشخص شد واقعیت موضوع دیگری است. دولت جو بایدن نیز با ادبیاتی جدید همان مسیر دولت دونالد ترامپ را برای خود هدفگذاری کرده بود. اصطلاح «توافق طولانی‌تر و قوی‌تر» خود به خوبی نشان از همین راهبرد داشت.

تلاش حامیان برجام برای تحمیل توافق بد

با وجود پیچیدگی این مسأله، جریان رسانه‌ای حامی دولت قبل از آذرماه ۱۴۰۰ که مذاکرات توسط تیم مذاکره کننده جدید ایران یعنی علی باقری آغاز شد سعی دارد تا با یک گزاره ساده و البته پراشکال مذاکره‌کنندگان کنونی را در مدل، تاکتیک و هدف مذاکراتی پیرو تیم مذاکره کننده پیشین معرفی کند. آنها در ماه‌های ابتدایی آغاز مذاکرات با این سؤال که چرا منتقدان دیروز برجام، امروز برای احیای آن تلاش می‌کنند یک بازی رسانه‌ای را در پیش گرفتند تا در نهایت این گونه به مخاطب القا کنند که توافق ۲۰۱۵ توافق ایده‌آل برای ایران بوده که باوجود تغییر دولت و روی کار آمدن دولتی که مخالف گفتمان و عملکرد دولت پیش بوده است نیز در تلاش برای دستیابی به مفاد آن توافق است.

پیش از تشریح ابعاد این مغالطه سیاسی باید به یاد داشته باشیم که توافق نامتوازن برجام با ایرادات فراوان ساختاری

همچنان پر ایراد و انتقاد است و رویکرد تیم مذاکره کننده نیز هر چه کمتر کردن این ایرادات در تمام طول این مدت بوده است. خروج یکجانبه و بدون هزینه دولت آمریکا از این توافق، وعده‌های دروغین اروپا در تأمین خواسته‌های ایران، مکانیزم عجیب ماشه و خلل‌های فراوانی که در مسیر رفع تحریم‌ها، دستاورد برجام را به «تقریباً هیچ» تبدیل کرده بود به تنهایی می‌تواند این گزاره را تأیید کند که برجام ایرادات ساختاری مهمی داشته است. دولت آمریکا از همان ابتدا در پی آن بود تا با استفاده از خلل‌های موجود در برجام از امتیازات این توافق کاسته، رفع تحریم‌های ایران را به سایر مسائل گره بزند و دولت روحانی را ملزم به پذیرش برجام‌های دیگر کند. حامیان توافق برجام و شبکه خبرنگاران حامی محمدجواد ظریف سعی داشتند در تمام این مدت با ساده‌سازی راهبردهای ضدایرانی و شباهت‌سازی مذاکرات کنونی با مذاکرات منتج به برجام در دولت قبل، عملیات رسانه‌ای را علیه تیم مذاکره کننده ایران پیگیری کنند. از همین رو بهتر است برای مشخص شدن

